



قدرت‌الله قربانی<sup>۱</sup>

شکیلا دهقان بنادکی<sup>۲</sup>

مسئله شر و قابلیت‌های صورت‌بندی نظریه عوض \*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

## چکیده

مسئله شر در اشکال مختلف آن، یکی از مهم‌ترین چالش‌های فلسفی و کلامی انسان معاصر می‌باشد که در پاسخ به آن، نظریه عوض متکلمان مسلمان یکی از راه‌کارهای تا حدودی کارآمد، درون سنت خداباوری دینی می‌باشد. این نظریه با استناد به عقل و وحی و با پیش‌فرض گرفتن خداوندی با صفات مطلق و ضرورت وجود آخرت، اصولی را معرفی می‌کند که برای پاسخ به برخی ابعاد مسئله شر، کارآمد هستند. از جمله این اصول می‌توان به این موارد اشاره کرد: تعلق جعل ذاتی خدا برای آفرینش شرور، مقصود بالعرض بودن شرور برای خدا، گسترش دامنه حیات بشری و نتایج اعمال او به زندگی اخروی، تأکید بر محدودیت دنیا برای تحقق کامل نتیجه اعمال نیک و بد، تفصیل جزئیات رسیدگی به اعمال بندگان در آخرت، لزوم جریان سنت‌های ثابت الهی در جهان برای آزمون انسان‌ها، اهمیت تفاوت منظر بشری و سرمدی، اعطای اجر بی‌گناهان توسط خدا در قیامت. صورت‌بندی جدید چنین نظریه‌ای می‌تواند قابلیت‌های بیشتر آن را آشکار سازد. هدف از این پژوهش، نشان دادن اهمیت صورت‌بندی جدید نظریات مستند به نصوص دینی، مانند نظریه عوض، در برابر برخی چالش‌های کنونی پیش‌روی سنت خداباوری در حوزه مسئله شر است. در این مقاله نویسنده می‌کوشد به روش تحلیل محتوای نصوص دینی چون قرآن، کارآمدی نظریه عوض در پاسخ به برخی جوانب مسئله شر را نشان دهد.

**واژگان کلیدی:** مسئله شر، نظریه عوض، خدا، آخرت باوری، دنیا، انسان.

qorbani48@gmail.com

۱. دانشیار گروه فلسفه دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول)

shakila73d@gmail.com

۲. دانش آموخته فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه خوارزمی



## طرح مسئله

مسئله شر از بنیادی‌ترین پرسش‌ها و چالش‌های فلسفی و کلامی تاریخ تفکر بشری و به‌ویژه عصر حاضر است. اهمیت این مسئله در تنگنا قرار دادن نگرش خداباوری و نقض صفات مطلق الهی و در شکل حداکثری‌اش رد وجود خدای عالم مطلق، قادر مطلق و خیرخواه محض است که موجب گسترش اندیشه الحادی و بروز یأس و ناامیدی در انسان می‌شود. به همین دلیل، عمده تلاش فیلسوفان و متکلمان خداباور جدید در ارائه پاسخ‌های لازم به مسئله شر صرف شده است. چنین پاسخ‌هایی به منظور حراست از یکتایی خدا و حفظ صفات مطلق الهی، بر استفاده از راه‌کارهایی به‌طور عمده مبتنی بر نظام احسن، عدمی دانستن شرور، مبری دانستن ساحت الهی از ارتکاب شرور، نسبی دانستن شرور، نسبت دادن شرور به اختیار انسان، تأکید بر نقش شرور در تعالی معنوی انسان و تلقی شرور به‌عنوان عقوبت گناهان بشری تمرکز کرده‌اند. اگرچه هریک از این پاسخ‌ها دارای نوعی کارایی هستند، به نظر می‌رسد هیچ‌یک از آنها، حتی با ترکیب چند پاسخ، قادر به تمهید و تدارک پاسخی کارآمد و همه‌جانبه به مسئله شر نیست، شاید تنها با نگرش تلفیقی و ترکیب منطقی همه پاسخ‌های موجود است که بتوان امید داشت به حصول راه‌کاری مناسب و کارآمد تقرب جست. حصول چنین پاسخی از آنجا اهمیت دارد که در قرن حاضر صورت‌بندی‌های جدید منطقی و به‌ویژه قرینه‌ای شر، توسط برخی متفکران غربی ارائه شده است که این صورت‌بندی‌ها با دقت مناسبی چالش‌های مهمی را پیش‌روی نگرش خداباوری قرار داده‌اند. ضمن اینکه ابعاد روان‌شناختی، اخلاقی و جامعه‌شناختی ناشی از گسترش نگرش الحادی در قالب رفتارهای نومیدانه و اقدام به خودکشی، اهمیت تلاش خداباوران را هم در بازخوانی پاسخ‌های سنتی و هم ارائه پاسخ‌های جدید کارآمدتر، بیشتر می‌سازد.

در واقع، امروزه چندجانبه بودن مسئله و معضل شر، ضروری می‌سازد که نه تنها از تأملات فلسفی، بلکه از آموزه‌های وحیانی و حتی یافته‌های علمی و عرفانی و تجربی نیز استفاده گردد. بر این اساس، در این پژوهش، ضمن توجه به قابلیت‌های برخی پاسخ‌های سنتی و جدید ارائه شده به مسئله شر، بر این مهم تأکید می‌گردد که برخی پاسخ‌های درون‌دینی سنتی به واسطه قابلیت‌های نهفته در آنها و نیازمندی‌های فکری جدید ما، باید دوباره بازخوانی و بازسازی شده و صورت‌بندی جدیدی یابند تا در مواجهه با پرسش‌های جدید مسئله شر، توانمندی آنها آشکار گردد.



بنابراین به نظر می‌رسد نظریه عوض یا جبران که توسط متکلمان مسلمان در قرون گذشته مطرح گردیده است، دارای این قابلیت است که براساس نیازهای فلسفی و کلامی جامعه کنونی مسلمانان مورد بازخوانی، بازسازی و صورت‌بندی جدید قرار گیرد تا کارآیی و کارآمدی‌های آن در عرصه تنوع پاسخ‌های ارائه شده در معرض آزمون، قضاوت قرار گرفته و از آن بهره‌برداری گردد.

به منظور آزمون این کار، در این تحقیق با رویکرد کلامی و با استناد به نصوص دینی چون قرآن و روایات، این پرسش مهم مطرح می‌شود که نظریه عوض چه نقشی در پاسخ به مسئله شرور، در شکل طبیعی و اخلاقی آن دارد و صورت‌بندی جدید آن می‌تواند چه قابلیت‌هایی در این زمینه داشته باشد؟ برای تحقیق این پاسخ، ابتدا به‌طور مختصر ویژگی سنتی نظریه عوض، توضیح داده می‌شود، سپس تقریری جدید و مختصر از آن معرفی گشته، تلاش می‌شود نشان داده شود که این نظریه با صورت‌بندی جدید آن می‌تواند در دفاع از خدا باوری توحیدی و صفات مطلق الهی و تمهید معنای زندگی دینی و فهم فلسفه شرور، در حد خود کارآمد و مؤثر باشد.

### ۱. ویژگی‌های تقریر سنتی نظریه عوض

نظریه عوض در آثار متفکران مسلمان به شکل نظریه‌ای مدون و مسئله‌محور طرح نشده است. بلکه به‌عنوان مسئله‌ای فرعی ذیل مباحثی چون صفات و غایت‌مندی افعال الهی و احسن بودن نظام عالم آمده است. این نکته نشان می‌دهد مسئله شر برای متکلمان مسلمان در قرون گذشته، مانند امروز معضلی اساسی و تهدیدکننده جدی برای نظام خدا باوری نبوده است. در عین حال، تقریری که این متفکران از مسئله عوض ارائه داده‌اند دارای ویژگی‌های خاص خود است.

از موارد مهم تقریر سنتی متکلمان مسلمان از مسئله عوض عبارتند از: تأکید بر مسئله آلام به جای شرور، وجودی دانستن آلام و شدائد وارده بر انسان، تقسیم آلام به ابتدایی و استحقاقی، تقسیم عوض‌ها به دنیوی و اخروی، طرح نظریه انتصاف در دل نظریه عوض، پیوند مسئله عوض با عدالت و غایت‌مندی افعال الهی، ارائه راه‌کارهای متنوع برای نحوه عوض‌دهی خداوند و تلاش برای اثبات عقلی و استناد نقلی آن به قرآن و روایات.

وجودی تلقی کردن آلام و سختی‌ها، از سوی متکلمان مسلمان از آن جهت اهمیت دارد که آنها فاعلیت الهی را در همه امور جهان سرایت داده، در نتیجه همه انواع آلام و شرور این جهان را نیز به‌طور مستقیم و غیر مستقیم به‌عنوان



فعل الهی در نظر می‌گیرند. پس خداوند فاعل نهایی همه‌آلام و شرور این جهان، اعم از اخلاقی و طبیعی است، حال باید دید تکلیف آدمیان و دیگر موجوداتی که در معرض چنین شروری قرار می‌گیرند، چیست؟ در پاسخ به این پرسش، متکلمان مسلمان با تعریف آلم به دردی که انسان در دنیا یا آخرت متحمل می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۵۱)، آلام را به سه دسته تقسیم می‌کنند. نخست، آلامی که خود انسان مسئول به وجود آمدن آنهاست؛ دوم، آلامی که توسط انسان‌های دیگر همراه با قدرت و تمکین خداوند در حق مخلوقات انجام می‌گیرد؛ سوم، آلامی که پیامد قوانین طبیعت و مستند به خداوند هستند. (قراملکی، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۴) با نظر به این سه نوع آلام، متکلمان در کل، آنها را به دو نوع آلام ابتدایی و استحقاقی تقسیم می‌کنند. منظور از آلام ابتدایی، مواردی است که در آن شخص مصدمه دیده، بی‌گناه است، ولی در آلام استحقاقی انسان، مستحق آلام و دردهایی است که بر او وارد شده است. (حلی، ۱۹۸۲: ۱۳۸-۱۳۷) با نظر به این دو نوع مهم آلام ابتدایی و استحقاقی، آنها معتقدند لازمه عدالت و غایت‌مندی افعال الهی آن است که نتیجه چنین آلامی توسط خدا در دنیا یا در آخرت برای بندگان محقق گردد. در خصوص آلام استحقاقی، متکلمان مسلمان به‌طور عمده از نظریه یا راه کار انتصاف بهره می‌گیرند؛ به این معنی که خداوند حق ستم‌دیدگان را از ستمگران در این دنیا یا در آخرت بازخواهد گرفت. (مقداد، ۸۲۶: ۲۲۲) در واقع هر فرد ظالمی مستحق عواقب و کیفر ظلم خویش به دیگران است که مطابق صلاح‌دید الهی در این دنیا یا پس از مرگ به عقوبت عملش خواهد رسید و به این وسیله حق مظلوم نیز ستانده خواهد شد. اهمیت این مسئله برای متکلمان مسلمان به قدری است که بیشتر آنها وجوب عقلی انتصاف بر خداوند را پذیرفته‌اند. به گفته‌ی خواجه نصیرالدین طوسی: «انتصاف بر خداوند واجب است و این را هم شرع و دین گفته و هم قابل اثبات عقلی است. انتصاف، یعنی بر خدای تعالی واجب است که داد مظلوم را از ظالم بگیرد، چون خدا ظالم را مسلط کرده و به او تمکین داده است.» (شعرانی، ۱۳۹۳: ۴۷۲)

بنابراین راه کار انتصاف، تکلیف آلام استحقاقی را روشن می‌سازد. اما تکلیف آلام ابتدایی نیز توسط نظریه عوض تعیین می‌گردد به این بیان که خداوند، کریم، جواد، متفضل و رحیم است، برای اعمال آدمیان جزای لازم و برای آلام ابتدایی آنها عوض لازم را ضمانت کرده است و از روی تفضل خویش، افزون بر آن را وعده داده و محقق خواهد ساخت. (مفید، ۱۴۱۴: ۱۰۳؛ حلی، ۱۳۹۵: ۴۶۸) در واقع عوض، همان نعمت و منزلتی است که خداوند به بندگان ستم‌دیده و متأثر از شرور اخلاقی یا طبیعی، در این دنیا یا عالم آخرت اعطاء می‌کند. به بیان دیگر از آنجا که چنین



آلامی نیز با قدرت الهی بر این انسان‌ها وارده شده است، جبران آنها نیز بر خداوند واجب است. براین اساس متکلمان مسلمان احکام خاصی را برای عوض در نظر می‌گیرند:

۱. دائمی بودن عوض لازم نیست (اسدآبادی، ۱۴۲۲: ۳۳۴)؛ زیرا با توجه به کمیت و کیفیت آلام، عوض متناسب آنها بسنده می‌کند؛

۲. علم فرد ستم‌دیده به عوض، ضرورتی ندارد، بلکه همین که ستم وارده به طریقی توسط خدا در دنیا یا آخرت جبران شود، بسنده می‌کند. (علم‌الهدی، ۱۴۱۱: ۲۴۸)

۳. تعیین نوع و ماهیت عوض بر عهده خداوند است نه فرد متألم (حلی، ۱۴۱۳: ۳۳۸) در واقع این خداوند است که مطابق حکمت و عدالت خود و مصالح بندگان، نوع و نحوه جبران آلام وارده بر بندگان خود را تعیین می‌کند.

۴. ندادن عوض و اسقاط آن بر خداوند شایسته نیست. به بیان دیگر، حتی با رضایت فرد متألم، باز هم جبران آلام وارده بر خداوند شایسته است.

۵. میزان عوض حداقل باید با میزان ألم وارد شده بر متألم متناسب باشد، اگرچه شایسته است که بیشتر از آن باشد. (شیروانی، ۱۳۸۲، ۱: ۲۰۹-۲۰۳)

خلاصه اینکه براساس مفاد تقریر سنتی نظریه عوض، جبران همه آلام وارد بر اشخاص بی‌گناه بر خداوند در دنیا و آخرت، واجب است. جبران آن یا توسط اعطای نعمات بیشتر در دنیا یا آخرت و یا از طریق عقوبت گناهکارانی است که به اشخاص بی‌گناه ظلم کرده‌اند. بنابراین براساس عدالت، حکمت، جود، فضل، لطف و عنایت الهی، همه آلام بندگان بی‌گناه، عوض شایسته خود را در دنیا یا آخرت به‌طور متناسب و حتی بیشتر از آن دریافت خواهند کرد و همه ستم‌های ستمگران نیز در دنیا یا آخرت، کیفر متناسب خود را دریافت خواهند نمود. در نتیجه، در مجموعه عالم هستی هیچ انسانی نیست که عاقبت افعال نیک یا زشت خود را در دنیا یا آخرت دریافت نکند. بنابراین، مجموعه نظام هستی، مجموعه‌ای عادلانه است که در آن، براساس حکمت الهی همه افعال و آلام بشری نتیجه شایسته و متناسب خود را دریافت خواهند کرد.

در نهایت، متکلمان مسلمان هم ادله عقلی و هم ادله نقلی را برای تبیین و توجیه نظریه عوض مورد استفاده قرار



می‌دهند. از رویکرد عقلی، آنها ارتکاب هرگونه فعل قبیح را از سوی خداوند متعال محال می‌دانند؛ زیرا ارتکاب افعال قبیح می‌تواند ناشی از جهل، نیاز و یا حکمت باشد. دو مورد اول تنها برای انسانها مصداق دارد و مورد سوم تنها به خداوند قابل اطلاق است، درحالی که صفات مطلق الهی، مانند غنا، علم و نظایر آن مانع از ارتکاب خداوند به فعل قبیح است. در نتیجه، لازمه غنا، حکمت و جود الهی، جبران همه آلامی است که بر بندگان بی‌گناه خداوند وارد می‌گردد. (حلی، ۱۳۹۵: ۹۷۸)

متکلمان مسلمان، همچنین ادله فراوان نقلی برگرفته از قرآن و روایات به منظور اثبات و توجیه منطقی لازم نظریه عوض ارائه می‌دهند. آنها با ارجاع به آیات قرآن، می‌کوشند نشان دهند ابعاد گوناگون مسئله شر در این کتاب الهی بیان شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. شر برای آزمون ایمان انسان است؛ (بقره/۱۵۵؛ انبیاء/۳۵)

۲. نفییدن مسئله شر ناشی از جهل و ضعف بشری است؛ (فصلت/۴۹؛ معارج/۲۰)

۳. شر، نتیجه ناسپاسی انسان است؛ (اسراء/۸۳)

۴. شر، نتیجه یا کیفر گناهان انسان است؛ (حجر/۷۹؛ اعراف/۱۳۶)

۵. شر، نتیجه طبیعی عمل انسان است.

متکلمان مسلمان همچنین توجه خاصی به روایات اسلامی دارند که در آنها ابعاد گوناگون شر بیان شده است؛ مانند روایتی از امام صادق علیه السلام درباره فقر بندگان و نحوه جبران آن توسط خداوند در آخرت (کلینی، [بی‌تا]: ۳۶۴) یا نتایج شرور طبیعی مانند مرگ ناشی از حوادث طبیعی که خداوند انسان‌های صدمه دیده از این گونه حوادث را در قیامت عوض می‌دهد، ضمن اینکه آنها در منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شهید به شمار می‌آیند. (قدردان قراملکی، ۲۴۲: ۱۳۸۰) همچنین می‌توان به احادیثی اشاره کرد که نتیجه صبر و بردباری انسان‌ها در اثر بیماری دنیوی را، پاداش عظیم اخروی بیان می‌کنند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳: ۷۱)

نتیجه اینکه تقریر متکلمان مسلمان از نظریه عوض و راه کار انتصاف، هم دارای مبنا و استدلال عقلی است و هم نقلی و می‌تواند به طریقی برخی از ابعاد مسئله شر را به‌ویژه با طرح پاداش و کیفر دنیوی و اخروی حل کند.



## ۲. قابلیت‌های کاربردی نظریه عوض

همانطور که بیان شد، نظریه عوض که توسط متکلمان مسلمان در قرون گذشته به‌عنوان راه‌کاری جانبی برای حل مسئله شر مطرح شده و در سنت کلامی مسلمانان در ادوار بعدی چندان پردازش و بسط نیافته است. ممکن است علت آن، عدم توجه کافی آنها به مسئله شر یا چالش برانگیز نبودن مسئله شر علیه سنت خداابوری در قرون گذشته بوده باشد. اما تحولات علمی، کلامی و فلسفی جهان در قرون اخیر و ظهور گرایش‌های الحادی و همچنین معرفی تفسیرهای جدید انسان‌انگارانه از خداوند، که همگی به شکلی با نحوه مواجهه انسان با مسئله شر مرتبط است، ضرورت بازسازی پاسخ‌های سنتی خداابورانه به مسئله شر را براساس نیازهای جدید دو چندان کرده است. در این زمینه می‌توان به قابلیت‌های نظریه عوض توجه جدی داشت و ضمن برجسته‌سازی آن قابلیت‌ها به ارائه تعابیر و تقریرهای جدیدتری از آن پرداخت تا بتوان برخی از ابعاد مسئله شر را به‌ویژه در سنت خداابوری پاسخ گفت. براین اساس، نویسندگان در این پژوهش ابتدا قابلیت‌های این نظریه را تبیین می‌کنند و در آخر می‌کوشند صورت‌بندی جدیدتری از آن ارائه نمایند.

### ۲-۱. رویکرد وجودی

از قابلیت‌های مهم نظریه عوض، تمرکز بر جنبه وجودی شرور است. اهمیت این مسئله از آن جهت است که عمده فیلسوفان سنت خداابوری اسلامی و حتی مسیحی به مسئله شر رویکرد عدمی داشتند که توفیق چندان در گشودن گره فروبسته شر نداشت. در رویکرد عدمی به‌طور عمده بر احسن بودن نظام آفرینش تأکید می‌گردد و اینکه از خدا جز خوبی و خیر صادر نمی‌شود و چون شر نشان‌دهنده وجه بدی و نقصان است، امکان صدور شر از خدا سلب می‌گردد. (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۹، ۷: ۵۸؛ میرداماد، ۱۳۴۷: ۴۳۴؛ سبزواری، ۱۳۷۲: ۲۵۱؛ طباطبایی، ۱۳: ۱۳۹۳: ۱۸۷) در این زمینه فیلسوفان مسلمان و مسیحی می‌کوشند شر را یا ناشی از خصوصیات عالم ماده بدانند (به این معنا که نقصان و محدودیت عالم ماده موجب شر شده است) یا اختیار و آزادی انسان را در وجود آن دخیل بدانند. در نتیجه با توجه به خیر محض بودن خدا، امکان صدور شرور از ساحت الهی منتفی است، مگر اینکه صدور آنها به‌طور بالعرض و به واسطه عالم ماده یا اختیار انسان به خدا نسبت داده شود. (ابن‌سینا، ۱۳۷۶: ۴۲۰-۴۱۹)



درمقابل، متکلمان مسلمان از ابتدا نگرشی وجودی به مسئله شر داشتند و به نقش مستقیم یا غیرمستقیم الهی در رخداد شرور توجه کرده‌اند. در این دیدگاه، همه افعال انسان یا توسط خدا یا با اراده و تمکن الهی صورت می‌گیرد. بنابراین خداوند حتی در تحقق شرور اخلاقی هم نقش دارد و وقوع چنین شروری بدون اذن الهی امکان‌پذیر نیست. در نتیجه باید ببینیم خداوند در تحقق چنین شروری چه برنامه‌ای داشته و تکلیف انسان‌هایی که از چنین شروری صدمه می‌بینند، چه می‌شود؟ در واقع، متکلمان مسلمان به موجب محتوای نصوص دینی، شرور را واقعی و وجودی و انکارناپذیر می‌دانند، نه امری وهمی یا عدمی. همچنین با نظر به گستره نامتناهی فاعلیت مطلق الهی معتقدند هیچ شری خارج از حیطه قدرت و فاعلیت الهی نیست. بنابراین پرسش مهمی که پیش‌روی آنها قرار دارد، فهم علت و چرایی انواع شروری است که از ناحیه خدا با دخالت یا بدون دخالت انسان، صادر می‌شوند؟

## ۲-۲. توجه به فاعلیت الهی، عدالت و حکمت الهی

از موارد مهم مشترک میان متکلمان و فیلسوفان مسلمان، توجه خاص به فاعلیت، عدالت و حکمت الهی در پرسش از نقش خدا در رخداد شرور است. هر دو گروه به نامتناهی بودن صفات فوق‌ایمان و اائق دارند، فقط ممکن است نوع ارتباط آنها با خداوند را طور دیگری تبیین کنند. در این زمینه، مهمترین نظریه مطرح شده از سوی آنها، نظریه نظام احسن است؛ یعنی لازمه کمال مطلق الهی، آفرینش جهانی کامل می‌باشد که آفرینش کامل‌تر از آن ممکن نبوده است. در این جا، متکلمان مسلمان در صورت مواجهه با مسئله شرور، ضمن ارجاع دادن آفرینش شرور به خدا، تلاش دارند تا غایت‌مندی مورد نظر را از افعال الهی نتیجه گرفته، عدالت و حکمت الهی را هم اثبات نمایند. آنها با تفکیک غایت فعل از غایت فاعل، باور دارند بیهوده و غایت‌مند نبودن افعال الهی، موجب نقص در صفات مطلق خداوندی خداست، درحالی که غایت داشتن افعال الهی به معنای غایت فعل است نه غایت فاعل. آنها همچنین تحقق شرور مختلف را ناقض عدالت و حکمت الهی نمی‌دانند بلکه تأکید دارند که فلسفه شرور با فلسفه خلقت انسان ارتباط دارد و در نتیجه غایت ناشی از انواع شرور، متوجه خود انسان‌هاست نه خدا؛ زیرا غنای ذاتی الهی نیازمند هدف خاصی از رخداد شرور برای خودش نیست. (مفید، ۱۴۱۳: ۵۹؛ سعیدی‌مهر، ۱۳۸۹: ۳۰۱-۳۰۰)

اهمیت این ویژگی توجه به صفات نامتناهی الهی و نقش شرور در فلسفه خلقت جهان و انسان است. در واقع،





نگرش‌های الحادی تحقق‌شور را به نقص برخی صفات الهی، یا عدم خیرخواهی خدا یا به‌طور کلی نبود خدا نسبت می‌دهند؛ چون معتقدند لازمه خیرخواهی، قدرت مطلق و علم مطلق الهی، زدودن امکان هرگونه شروری از صحنه هستی است و وجود شرور ذاتاً با وجود خدایی با صفات فوق‌تعارض ذاتی دارد. (پترسون، ۱۳۹۷: ۴۴-۴۱) در مقابل، متکلمان مسلمان با رویکرد وجودی و با توجه به صفات مطلق الهی، نه تنها وجود شرور را لازمه ذاتی خلقت انسان و جهان می‌دانند، بلکه آنها از لوازم منطقی و هماهنگ با صفات مطلق الهی دانسته، نسبت‌شان را با حکمت، عدالت و غایت‌مندی افعال تبیین می‌کنند. چنین به نظر می‌رسد که در این رویکرد، شرور، مجعول بالذات الهی‌اند که برای آفرینش جهان انسانی ضرورت ذاتی دارند، اما مقصود بالعرض هستند؛ زیرا آفرینش شرور برای اهداف و مقاصد دیگری است، مانند آزمایش انسان‌ها یا پاداش یا کیفر دادن به آنها. بنابراین شرور، نافی صفات مطلق الهی نیستند.

## ۲-۳. تعیین نتایج شرور در دنیا و آخرت

از عوامل اصلی ناامیدی انسان‌ها در مواجهه با شرور و بلا، ابهام در نتیجه حاصل از تحمل آنهاست. در واقع بیشتر مردم نمی‌دانند و کاملاً یقین ندارند که نتیجه مقاومت در برابر شرور و صبر پیشه کردن در مقابل بلا و سختی‌ها چه می‌شود؟ برخی از پاسخ‌های داده شده مانند عدمی‌نگاری، شرور به‌عنوان نتیجه گناهان، نسبی بودن شرور، شرور لازمه اختیار انسان و نظایر آن نیز راه‌کار مشخصی برای این دغدغه مردم ندارند. در این زمینه، نظریه عوض با اتکاء به صفات مطلق الهی به‌ویژه با تأکید بر عدالت و حکمت الهی به این مهم اشاره دارد که هیچ بلا و شری، نه تنها بدون علت و فلسفه نیست، بلکه بدون نتیجه عملی مشخص در دنیا یا آخرت هم نیست. به بیان دیگر، لازمه عدالت و حکمت الهی آن است که سختی‌ها و بلاهایی که ما تحمل می‌کنیم موجب نتایج دنیوی و اخروی گردند.

این نکته بسیار مهمی است که نظریه عوض با اشاره به متن قرآن و روایات بر آن تأکید فراوان می‌کند. برای مثال آیات «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (انشرح/۵-۶)؛ «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف/۱۲۸) و مانند آن نشان می‌دهند که هر عملی اعم از خیر و شر و استقامت ما برابر شرور، بدون نتیجه نیست، بلکه خداوند مطابق حکمت و عدالت خود، آن را پاداش لازم خواهد داد. بنابراین تجلی نتایج اعمال خیر و شر و تحمل بلا و صبر در مصیبت‌ها یا در این دنیا یا در آخرت روی می‌دهد که



صرف خداباوری و آخرت‌باوری ما تأمین‌کننده این مهم است؛ زیرا براساس آیات «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا» (یونس/۴۴) و «وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مانده/۳۸) خداوند، موجود حکیم و عادل است که به هیچ بنده‌ای ظلم نمی‌کند و کار بی‌هوده از او صادر نمی‌شود.

## ۲-۴. توجه به محدودیت دنیا و تمرکز بر ظرفیت آخرت

یکی از مشکلات مسئله شر از منظر رویکردهای بدبین، آن است که کلیت شر و نتایج ناشی از آن را تنها به این دنیای مادی محدود می‌سازند. از این منظر، انبوه شرور و حتی شدت آنها و به‌ویژه وجود برخی شرور گزاف و بی‌هدف، ظاهراً نگرش خدا‌نا‌باوری را تقویت کرده و رویکرد خدا‌باوری را با چالش‌های اساسی مواجه می‌سازد. آنها به‌طور عمومی این پرسش را مطرح می‌کنند که شدت و کمیت بسیار زیاد شرور موجود و به‌ویژه شرور گزاف، احتمال وجود خدا یا خدایی با صفات نامتناهی را کاهش می‌دهد (پترسون، ۱۳۹۷: ۱۰۲-۱۰۱) در واقع، کثرت بی‌شمار شرور و ناتوانی انسان در درک و هضم آنها، به‌ویژه ظهور انواع شرور اخلاقی مانند قتل‌ها، غارت‌ها، دزدی‌ها، جنایات و نظایر آنها و همچنین مشاهده انسان‌هایی که تمام عمر خود را در سختی‌ها و بلا‌ها و گاه در معلولیت و فقر زندگی می‌کنند، این نگرش را تقویت می‌بخشد که اگر خدای خدا‌باوران، خدایی خیرخواه، عالم و قادر مطلق است، چرا اجازه می‌دهد که بندگان او با این کمیت گسترده و کیفیت شدید، دچار انواع بلا‌ها و سختی‌ها شوند؟

در پاسخ به این پرسش، فلسفه خلقت انسان و جهان و آموزه آخرت‌باوری نظریه عوض راه‌گشا هستند. انسان نه تنها برای ماندن در این دنیا آفریده نشده، بلکه اساساً جهان آخرت، تجلی‌گاه نتایج اعمال انسان است. در واقع از مؤلفه‌های مهم نظریه عوض، نه تنها محدودیت این دنیا در ارتکاب شرور و انجام خیرات، بلکه محدودیت آن در پاداش دادن و کیفر دادن اعمال انسان‌هاست؛ زیرا نتایج اعمال نیک و بد انسان‌ها به قدری عظیم هستند که دنیای مادی ظرفیت پاسخ به آن نتایج را ندارد. در واقع، اگرچه هستی انسان از دنیای مادی آغاز می‌شود، امتداد حقیقی آن در دنیای آخرت است. بنابراین نتیجه کارهای نیک و بد انسان نیز به‌طور عمده در جهان آخرت متجلی می‌گردد. در نتیجه، نباید از عدم کیفر گناهکاران و عدم تحقق پاداش نیکوکاران در این دنیا گله کرد، زیرا از اساس، بخش عمده و اصل حسابرسی در آخرت رخ می‌دهد، ضمن اینکه محدودیت‌های دنیا مانع از کیفر و پاداش کامل اعمال



انسان‌هاست. بر این اساس، متکلمان مسلمان معتقدند که عوض می‌تواند در این دنیا یا در آخرت باشد (حلی، ۱۳۶۴: ۳۳) محتوای آیات قرآنی نیز هم بر اولویت و ضرورت آخرت‌باوری و هم محدودیت و موقتی بودن حیات دنیوی را بسیار تأکید می‌کنند.

## ۲-۵. تعیین تکلیف گناهکاران و نیکوکاران

از مشکلات مهم آدمیان در مواجهه با شرور، به ویژه شرور اخلاقی آن است که ما به یقین نمی‌دانیم تکلیف عقوبت گناهان بزرگ و گسترده انسان‌های شرور و نیز پاداش اعمال بزرگ انسان‌های نیک چه می‌شود. این امر به‌طور خاص درباره نحوه کیفر گناهکاران بزرگ بیشتر دغدغه ماست. برای مثال، فردی که میلیون‌ها انسان بی‌گناه را کشته است، حداکثر جزای او در این دنیا، امکان کشتن اوست، چه بسا انسان‌های خون‌خوار که تا آخر عمر هم ظاهراً هیچ صدمه‌ای نمی‌بینند و در رفاه و آرامش روزگار می‌گذرانند. ابعاد نگران‌کننده این مسئله زمانی بیشتر می‌شود که تنها به مجازات‌های این دنیایی توسط انسان‌ها چشم بدوزیم. برای مثال، بفرض که کسی هزاران انسان را کشته و خود هم توسط فردی کشته شده است، آیا صرف کشته شدن او توسط دیگری، درحالی که او هزاران انسان را کشته است، و امکان کشته شدن دوباره او فراهم نیست، برای هزاران انسان کشته شده رضایت‌بخش است؟ آیا این عادلانه است که هزاران انسان توسط قاتلی کشته شوند، بدون اینکه حق آنها در این دنیا از او ستانده شود؟ همین مسئله را درباره انسان‌هایی نیز می‌توان طرح کرد که بر اثر شرور طبیعی مانند سیل و زلزله و حوادث طبیعی نظیر تصادفات و مانند آن می‌میرند، در حالی که لزوماً شخص خاصی هم مقصر اصلی چنین حوادثی نیست.

در بررسی این مشکل، ابتدا باید توجه داشت که نظریه عوض به‌نحو مقدماتی زندگی آخرت را به‌عنوان مبنایی اساسی معرفی می‌کند. بنابراین کلیت زندگی هیچ‌یک از ما انسان‌ها به حیات مادی محدود نیست، بلکه زندگی این دنیا صرفاً مرحله مقدماتی زندگی حقیقی اُخروی ماست، اگرچه اندوخته‌های دنیوی ما سازنده ماهیت حیات اخروی هستند. در نتیجه، قضاوت ما درباره شرور و فلسفه خلقت آنها و نتایج حاصل از بلاها و آلام، باید دربردارنده هر دو دنیا شود. براین اساس، ماهیت ثواب و عقاب اعمال نیک و بد، مطابق حکمت و عدالت الهی ممکن است صرفاً در این دنیا، یا تنها در دنیای دیگر یا در هر دو جهان متجلی گردد. ظاهراً متون دینی بر تجلی نتایج اعمال در هر دو دنیا



بیشتر تأکید دارند، اگرچه وزن حیات اخروی بیشتر از حیات دنیوی است. بنابراین مطابق نظریه عوض هیچ عملی، حتی به اندازه ذره‌ای ریز در محضر الهی بدون پاسخ و بدون پاداش یا کیفر نخواهد بود و اینکه هیچ انسانی به جای انسان دیگری مواخذه و عقاب نخواهد شد؛ همانطور که در این آیه بر آن تأکید شده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر/۳۸) که این رویه مطابق حکمت و عدالت الهی است. دقیقاً در همین زمینه، آیات فراوانی در قرآن وجود دارند که بر عذاب دنیوی گناهکاران تأکید دارد. برای مثال در آیات: «فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ وَ إِنَّهُمَا لِبِأْسٍ مُّبِينٍ» (حجر/۷۹)؛ «فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَقْنَا هُم فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف/۱۳۶)؛ «فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ الْجُرَادَ وَ الْقُمَّلَ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ» (اعراف/۱۳۳) و «ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ؛ وَ أَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ» (شعراء/۱۷۳-۱۷۲) بر این مهم تأکید دارند.

آیات متعددی نیز وجود دارند که چگونگی حسابرسی خداوند به اعمال نیکوکاران و گناهکاران را در روز حساب، مفصل شرح می‌دهند. برای مثال در آیات: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُظِلُّمُ النَّاسَ شَيْئًا» (یونس/۴۴)؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يُظِلُّمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ» (نساء/۴۰)؛ «وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقُسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَ إِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء/۴۷۹)؛ «لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (ابراہیم/۵۱)؛ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/۷-۸)؛ «إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ، وَ كَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ» (واقعه/۴۵-۴۶)، این مسئله مهم مورد توجه واقع شده است. این آیات نه تنها بخش عمده و اصلی تجلی و تحقق نتایج اعمال خوب و بد ما را مربوط به جهان آخرت نشان می‌دهند، بلکه کمیت و کیفیت و نحوه رسیدگی و عدالت الهی را در فرایند حسابرسی اعمال آدمیان گوشزد می‌کنند. در نتیجه، ایمان و یقین به آنچه چنین آیاتی معرف آن هستند، موجب امید به عدالت و رحمت الهی و ناامید نشدن از عدم جبران بخش زیادی از شرووری است که در این دنیا متحمل می‌شویم و می‌دانیم آخرتی وجود دارد که هم نیکوکاران به پاداش اعمال نیک و هم گناهکاران به کیفر اعمال زشت خود خواهند رسید.

## ۲-۶. ریشه وحیانی و روایی

از ویژگی‌های مهم نظریه عوض ریشه وحیانی آن و امکان استناد آن به برخی آیات و روایات معتبر است که موجب



قوت و اعتبار سندی و روایی آن می‌شود. در این زمینه دو گروه آیات قرآنی وجود دارند. دسته اول آیاتی که نتیجه ظلم یا گناه انسان‌های بدکار و پاداش اعمال نیک انسان‌های نیکوکار را در همین دنیا بیان می‌کنند. دسته دوم آیاتی که با توضیح جزئیات حسابرسی عالم قیامت، نحوه رسیدگی به اعمال خوب و بد ما را به تفصیل بیان می‌کنند. در عین حال، هر دو گروه آیات، مستند به آیاتی هستند که بر عدالت، حکمت و هدفمندی افعال الهی تأکید دارند. در باب آیات گروه اول می‌توان به موارد زیر توجه داشت:

❖ «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ» (حجر/۷۹)

❖ «فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ يَانَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ» (اعراف/۱۳۶)

❖ «وَقَوْمٌ نُوْحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا» (فرقان/۳۷)

❖ «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/۴۱)

این آیات به وضوح نشان می‌دهند که نتیجه برخی از اعمال بدکاران در همین دنیا به آنها چشمانده خواهد شد.

آیات درباره پاداش و عقاب اخروی نیز فراوان هستند که تنها چند مورد از آنها را به‌عنوان مثال بیان می‌کنیم:

❖ «وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ» (انبیاء/۴۷۹)

❖ «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ» (بقره/۴۸)

❖ «لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ» (ابراهيم/۵۱)

❖ «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ، وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/۷-۸)

اهمیت این آیات در باب تحقق نتایج اعمال خوب و بد انسان‌ها در دنیا و آخرت، منشاء و حیوانی و یقینی بودن وعده‌ها و وعیدهایی است که توسط خداوند متعال داده شده است. همچنین توضیح تفصیلی کمیت و کیفیت رسیدگی به اعمال نیک و زشت انسان‌ها در این آیات نیز ارزش فراوانی دارد.



همچنین روایات متعددی از ائمه معصومین علیهم‌السلام وجود دارد که بر جبران آلام و سختی‌های وارد شده بر انسان توسط خدای مهربان تأکید دارند، ضمن اینکه محتوای چنین روایاتی مستند به آیات عدالت، حکمت و حسابگری الهی است. در این زمینه می‌توان به برخی روایات مهم توجه داشت. برای مثال امام رضا علیه‌السلام فرمود: «بیماری مؤمن، موجب پاک شدن او از گناهان و لغزش‌ها و رحمت الهی در حق مؤمن است و برای کافر، عذاب و لعن اوست. بیماری در حیات مؤمن وجود دارد تا اینکه گناهان او پاک گردد.» (صدوق، ۱۳۶۳: ۴۲۹) در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که اکثر اهل بهشت را فقرا و اکثر اهل جهنم را اغنیا تشکیل می‌دهند. (غزالی، ۱۴۰۲، ۴: ۱۹۶) امام صادق علیه‌السلام در توجیه نقص‌های بدنی مانند نابینایی و ناشنوایی تأکید می‌کند که خداوند در آخرت به چنین اشخاصی در صورت بردباری و صبر چنان پاداشی اعطاء می‌کند که اگر بین بازگشت به دنیا و تحمل دوباره همین مصایب و باقی ماندن در آخرت مخیر باشند، بازگشت به بلا را انتخاب می‌کنند تا اجرشان مضاعف گردد. (مجلسی، ۱۴۰۹، ۳: ۷۱)

چنین روایاتی نیز باتوجه به سازگاری آنها با مفاد آیات قرآنی موجب آگاهی ما از جزئیات نتایج اعمال نیک و بد و عزم بر ترک گناهان و انجام واجبات و اعمال نیکوست. ضمن اینکه امید به فضل و رحمت الهی را در ما افزایش می‌دهد.

## ۲-۷. نقش مؤثر در معنادهی به زندگی از طریق فهم فلسفه خلقت

از کارکردهای بسیار مهم نظریه عوض نقش آن در معنادهی به زندگی ماست؛ زیرا مهم‌ترین چالش ناشی از انواع شرور و ناتوانی برخی راه‌کارها در تمهید پاسخ منطقی، غلبه نوعی بی‌معنایی در زندگی ماست. بی‌معنایی مذکور زمانی به تدریج رشد می‌کند که تفسیرهای حداکثری از رویکرد منطقی - قرینه‌ای شر و مسئله شرّ گزاف و عدم کفایت پاسخ‌های موجود، ابتدا به نقص در صفات الهی منجر می‌گردد. یعنی تصور خدایی قادر مطلق، عالم مطلق و خیرخواه محض به چالشی جدی دچار می‌شود. در مرحله بعد، اصل وجود خدا مورد تردید قرار می‌گیرد و در مقابل، وجود شر به عنوان بینه و قرینه‌ای جدی برای نبود خدا در نظر گرفته می‌شود. چنین نتیجه نامیمونی تزلزل شخصیت اخلاقی و منزلت و کرامت انسان، زیر سؤال رفتن ارزش‌ها و فضایل اخلاقی و رد امکان وجود جهان آخرت و بی‌هدفی زندگی انسان را در پی دارد. در صورتی که چنین اتفاقی حتی به‌طور تدریجی رخ دهد، معنای زندگی انسان از بین رفته و او دچار بی‌معنایی و بحران معنوی در زندگی می‌شود. چنین انسانی یا تصور درستی از خدا، صفات الهی،



ارزش‌های اخلاقی، هدف از زندگی، جهان آخرت و نظایر آن ندارد یا به‌کلی منکر وجود و نقش مؤثر چنین متغیرها و مؤلفه‌هایی است. عاقبت گرفتار شدن در مشکل بی‌معنایی زندگی، غلبه یاس و ناامیدی و تحمل ناگزیر شرور و سرخوردگی و در شکل ناگوار آن خودکشی و دیوانگی است؛ زیرا در چنین شرایطی، پرسش‌های اساسی انسان درباره خدا، صفات خدا، نقش او در زندگی انسان، هدف از زندگی، عاقبت حیات دنیوی و نظایر آنها هیچ پاسخ منطقی و متقاعدکننده‌ای ندارند.

در مقابل، نظریه عوض از جمله نظریه‌ها و راه کارهای مؤثر درباره مسئله شرور است که متغیرها و مؤلفه‌هایی مانند وجود خدای قادر مطلق، عالم کل، خیرخواه محض، آخرت‌باوری، عدالت الهی، ارزش و منزلت والای انسان، فلسفه خلقت انسان، ارزش‌های اخلاقی و نظایر آنها، نه تنها به‌عنوان مبانی بلکه به‌عنوان اصول و محورهای اصلی در آن ایفای نقش می‌کنند. در واقع، این نظریه مبین آن است که خدایی مهربان، عالم، عادل، حکیم، آگاه و دوستدار بندگان خود، بر جهان و حیات انسان، حاکم است. چنین خدایی طالب سعادت همه بندگان خود است و از طریق موهبت عقل و اراده و علم، زمینه‌های تحقق آن را برای ایشان فراهم ساخته است. اما مطابق حکمت و عدالت الهی، قانونمندی‌ها و سنت‌های الهی تغییرناپذیری بر زندگی انسان و کلیت جهان حاکم کرده است. به همین دلیل همه خوبی‌ها و بدی‌های بندگان یا در همین دنیا یا در جهان آخرت، پاسخ شایسته خود را دریافت خواهد کرد. در نتیجه، آخرت‌باوری و تبیین جزئیات آن از مبانی و اصول مهم چنین نظریه‌ای است. در واقع، نظریه عوض، مبین این حقیقت است که مطابق فلسفه خلقت انسان، او برای صرف لذت بردن و کامیابی جسمانی و دنیوی آفریده نشده است، اگر چنین بود، محدودیت دنیا موجب لغو و بیهودگی فلسفه خلقت بشر می‌شد.

نکات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد فلسفه خلقت انسان پرورش و تعالی روحی و معنوی و کسب آمادگی لازم برای زندگی جاویدان در سرای دیگر است: انسان در عمر محدود دنیوی خود هم با نیش‌ها و هم با نوش‌های فراوانی مواجه است؛ مجموعه کمالات معرفتی و اخلاقی انسان به تدریج در حال رشد هستند؛ انسان قادر به فهم فلسفه همه‌جانبه حقایق هستی نیست؛ انسان، موجودی حریص، ظالم و جاهل آفریده شده است؛ انسان موجودی جاودانگی طلب است، اما طعم تلخ مرگ، آرزوی نامیرایی او را بر باد می‌دهد و غیره. این نکات نشان می‌دهند که لازمه



تحقق چنین هدفی، ابتلای انسان به انواع سختی‌ها و تمتع و لذت بردن از انواع خوشی‌هاست تا مؤمنان و نیکوکاران از ظالمان و زشتکاران شناخته و متمایز شوند. ضمن اینکه در جریان همه این آزمون‌ها انسان با اختیار خود با امور مختلف مواجه شده، اراده کرده و تصمیم می‌گیرد، اما عظمت و بزرگی نتایج اعمال نیک و بد انسان و محدودیت دنیا، به‌طور طبیعی هم منجر به اصالت جهان آخرت برای تحقق نتایج چنین اعمالی و هم تجلی و بروز متعلق جاودانگی انسان می‌گردد.

بنابراین نظریه عوض و راه کار انتصاف به‌عنوان بخشی از این نظریه قادر به تبیین فلسفه خلقت انسان و تمهید مقدمات و مؤلفه‌های لازم معنایی کارآمد از زندگی انسان است که نتیجه آن دمیدن روح امید به لطف الهی و توان تحمل سختی‌ها و بلاهاست؛ زیرا در پس همه اینها خدایی مهربان نشسته که هدف او تعالی روحی ما و رساندن ما به حیات ابدی طیبه است. در واقع در پرتو نظریه عوض، انسان مؤمن باور دارد که خدایی عالم، قادر و خیرخواه معمار و بازیگر اصلی نظام هستی است که کسی را یارای فرار از سیطره فاعلیت الهی او نیست. منزلت والای انسان از یک طرف و محدودیت‌های اخلاقی و معرفتی او از طرف دیگر، و نیاز اصیل او به کسب زندگی جاویدان، موجب ابتلایش به انواع آزمون‌های مختلف است که از آنها به شرور تعبیر می‌شود. نتیجه ابتلای انسان‌ها به شرور و نوع عملکردها در دنیای مادی به‌طور کامل قابل تحقق نیست. پس معرفی جهان آخرت و توضیح جزئیات آن و بیان نحوه رسیدگی به کیفر گناه گناهکاران و اعطای پاداش نیکوکاران، لازمه منطقی محدودیت دنیا و تحقق بخش آرزوی نامیرایی و جاودانگی طلبی انسان است. ضمن اینکه مطابق عدالت الهی، بخشی از نتایج اعمال نیک و بد انسان‌ها در همین دنیا متجلی می‌گردد. بنابراین نظریه عوض اکثر مؤلفه‌های یک زندگی معنادار را در سنت خداباوری فراهم می‌سازد و می‌توان با امید به آن، سختی‌ها و ظلم‌ها را تحمل کرد، حتی در صورت توان در برابر ظلم‌ها مبارزه کرد و در مقابل خوشی‌ها چندان مغرور نشد؛ زیرا همه اینها، شرور و خیرات، موقتی بوده و آزمون‌های الهی برای سنجش عیار بندگی ماست.

## ۸-۲. مؤلفه‌های صورت‌بندی جدید نظریه عوض

با نظر به تقریرهای سنتی نظریه عوض در آراء متکلمان مسلمان و با نظر به پرسش‌های مهم جدید طرح شده در باب مسئله شر که بحران‌های مهمی را برای نگرش خداباوری موجب شده و با توجه به قابلیت‌های نظریه عوض که در





سطور فوق تبیین شد، می‌توان صورت‌بندی آن را با نظر به مبانی، اصول و نتایج آن در نظر گرفت. در این زمینه، اعتقاد به خدای عالم مطلق، قادر مطلق، خیرخواه محض، عادل و حکیم و نیز آموزه آخرت‌باوری به‌عنوان دو مبنای مهم این نظریه در نظر گرفته می‌شود. مواردی چون تعلق قصد ذاتی برای آفرینش شرور، مقصود بالعرض بودن شرور، گسترش دامنه حیات بشری و نتایج اعمال او به فراتر از دنیا و طرح ضرورت زندگی اخروی، تأکید بر محدودیت دنیا برای تحقق کامل نتیجه اعمال نیک و بد، تفصیل جزئیات نحوه رسیدگی به اعمال بندگان در آخرت، لزوم جریان قوانین و سنت‌های ثابت الهی در جهان، اهمیت تفاوت منظر بشری و سرمدی، اعطای اجرایی گناهان توسط خدا در قیامت و برخی موارد دیگر از مؤلفه‌ها و اصول صورت‌بندی جدید نظریه عوض هستند. همچنین مواردی چون ایمان به قطعیت رسیدگی به اعمال همه آدمیان در دنیا یا آخرت، امتناع ظلم به دیگران، کسب امید به عدالت، رحمت و لطف الهی، افزایش قدرت تحمل و فهم و هضم شرور، رخت بستن بی‌معنایی از زندگی نیز از نتایج آن هستند.

بانظر به موارد فوق، به‌طور پیشنهادی می‌توان صورت‌بندی زیر را از نظریه عوض ارائه داد:

خدایی قادر مطلق، عالم مطلق و خیرخواه محض بر کلیت جهان و زندگی انسان، حاکم است. از آنجا که آفرینش شرور مورد جعل ذاتی خدا برای آزمون انسان‌هاست، ولی قصد ذاتی او نیست؛ نتیجه حاصل از تعلق شرور به زندگی آدمیان یا در این جهان یا در آخرت و یا در هر دو جهان متجلی می‌گردد.

محورهای و مقدمات مهم این تقریر به شرح زیر است:

خدا دارای صفات کمالی نامتناهی علم، عدالت، حکمت، قدرت و خیرخواهی است. یعنی ما به خدایی اعتقاد داریم که واجد همه صفات نامتناهی است و امکان هیچ‌گونه نقص و کاستی در او وجود ندارد.

آفرینش شرور هم مطابق ساختار جهان و لازمه آفرینش و آزمون انسان‌هاست. یعنی خلقت شرور دقیقاً مورد جعل ذاتی خدا قرار گرفته است، اما مقصود ذاتی و نهایی او نیست، بلکه شرور برای منظور دیگری، چون آزمایش آدمیان، ایجاد شده‌اند.

دنیا، ظرفیت تحقق نتایج همه شرور اخلاقی و طبیعی را ندارد. در واقع محدودیت‌های مختلف حیات دنیوی مانع نتیجه‌بخشی خوبی‌ها و بدی‌های این جهانی است، در نتیجه بخش عمده نتایج شرور دنیوی در جهان آخرت محقق



می‌گردد که لازمه عدالت الهی است.

منظر بشری انسان از درک همه ابعاد شرور ناتوان است. به بیان دیگر، محدودیت‌ها و نقص‌های مختلف انسان موجب عدم شناخت کافی ابعاد متنوع و پیچیده شر گردیده است. از این‌رو برای فهم همه ابعاد آن منظر سرمدی و الهی نیز لازم است.

آفرینش جهان آخرت هم مبین پاسخی منطقی به حس جاودانگی طلبی انسان است و هم موجب تجلی دقیق همه نتایج اعمال خوب و بد انسان‌هاست. اهمیت این مسئله در نقش برجسته نظریه عوض به منظور تمهید پاسخی درخور برای سیراب کردن حس نامیرایی و جاودانگی طلبی انسان است.

ایمان به حسابرسی اخروی موجب یقین به عدالت الهی و صبر در برابر بلاها و سختی‌هاست. در واقع تصور اطمینان‌بخش از نتایج نهایی همه اعمال خوب و بد، موجب طمأنینه قلبی به عدالت و حسابرسی الهی و عدم ظلم خدا به انسان‌ها می‌شود که موجب قوت قلبی ما در تحمل شرور و صبر در سختی‌هاست.

نتیجه اینکه، نظریه عوض، حداقل برای خداپاواران، پاسخ منطقی لازم را برای فهم و هضم شرور اخلاقی و طبیعی فراهم می‌سازد؛ زیرا وجود خدای مهربان و عادل و جهان آخرت، ضامن نتایج حقیقی همه سختی‌ها و شرور دنیوی ماست.



## نتیجه گیری

در سنت فلسفی و کلامی مسلمانان هنوز نیز به اهمیت و ابعاد گسترده چالش مسئله شر توجه لازم و کافی نشده است. این امر به طور عمده با ترجمه نظرات متفکران غربی به تدریج برای مسلمانان نیز جدی تر شد. در این زمینه باتوجه به اشکال مختلف مسئله شر که توسط متفکران غربی مطرح می شود؛ مانند مسئله قرینه‌ای شر، مسئله منطقی شر، مسئله وجودی شر، شر گزاف و نظایر آن، لازم است که در سنت فلسفی و کلامی اسلامی در مواجهه با چنین چالش‌هایی، میراث غنی فلسفی و کلامی مسلمانان بازخوانی گردد تا ظرفیت‌های نهفته در آنها با زبان امروزی و متناسب با نیازهای کنونی بازاندیشی و صورت‌بندی شود. در این زمینه، نظریه عوض متکلمان مسلمان این قابلیت را دارد که از تقریرهای سنتی آن به نظریه‌ای مستقل و به‌عنوان یکی از پاسخ‌های تا حدودی کارآمد به پرسش‌های شر، بازخوانی و صورت‌بندی مجدد گردد. در این بازخوانی و صورت‌بندی جدید، باید مبانی این نظریه، یعنی خداباوری و آخرت‌باوری به دقت و به وضوح تقریر گردد. سپس مؤلفه‌های مهم آن، مانند محدودیت دنیا، تنوع پاداش‌ها و کیفرها، فلسفه خلقت انسان، ذاتی یا عرضی بودن خلقت شرور، تفاوت منظر سرمدی و بشری، پاسخ به نیاز جاودانگی انسان و نظایر آنها باتوجه به ادبیات کنونی تبیین جدید و منظمی بیابند. نتیجه حاصل می‌تواند ارائه نظریه‌ای مدون از درون سنت کلامی و فلسفی اسلامی برای پاسخ‌گویی به برخی ابعاد مسئله شر در شرایط بحران‌زده جهان کنونی باشد.

بنابراین اگرچه نظریه عوض درون سنت کلامی اسلامی و به عنوان مسئله‌ای فرعی در قرون گذشته طرح گردیده است، اما بازسازی و صورت‌بندی جدید آن می‌تواند به عنوان پاسخی کارآمد به برخی جنبه‌های مسئله شر، به‌ویژه نوع قرینه‌ای آن در اشکال طبیعی و اخلاقی مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس، پیشنهاد پژوهشی نویسنده آن است که تقریرهای سنتی نظریه عوض بازخوانی شوند تا آن به شکل جدید و روشمند صورت‌بندی نوینی یابند. در این صورت، چنین تقریری در درجه نخست درون سنت خداباوری ادیان ابراهیمی کارایی قابل توجهی داشته و همچنین برای پاسخ به اشکالات وارد بر نگرش خداباوری نیز استفاده می‌شود. به بیان دیگر، ظرفیت‌های نهفته نظریه عوض، تنها در صورت تقریر و صورت‌بندی روشمند و نوین آن، شناختنی است؛ شبیه آنچه جان هیک در مورد نظریه پرورش روح ایرناتوسی انجام داد.



## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۷)، النجات من الغرق فی بحر الضلالات، ویرایش و دیباچه محمد تقی دانش پژوه، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. اسدآبادی، قاضی عبدالعبار (۱۴۲۲ق)، شرح الاصول الخمسه، چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۴. پترسون، مایکل (۱۳۹۷)، خدا و شر، ترجمه حسن قنبری، قم: انتشارات طه.
۵. حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۹۵)، دلایل الصدق، قم: کتابفروشی بصیرتی.
۶. حلّی، حسن بن الحسن یوسف بن المطهر (۱۴۱۳)، کشف المراد فی التجرید الاعتقاد، تعلیقه حسن حسن‌زاده آملی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه نشرالاسلامی.
۷. حلّی، حسن بن الحسن یوسف بن المطهر (۱۹۸۲)، نهج الحق وکشف الصدق، چاپ اول، بیروت: دار الكتاب البنانی.
۸. حلّی، مقداد بن عبدالله (۱۳۶۴)، النافع یوم الحشر فی شرح الباب الحادی عشر، تحقیق مهدی محقق، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلام.
۹. سبزواری، ملاهادی (۱۳۷۲)، شرح الأسماء، به تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. سعیدی مهر، محمد (۱۳۸۱)، آموزش کلام اسلامی، ج ۱، قم: انتشارات طه.
۱۱. شعرانی، ابوالحسن (۱۳۹۳)، شرح فارسی تجرید الاعتقاد، تهران: انتشارات اسلامیه.
۱۲. شیروانی، علی (۱۳۸۲)، ترجمه و شرح کشف المراد، قم: دارالعلم.
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۷۹)، اسفار، تعلیقات سبزواری و طباطبایی، چاپ اول، قم: نشر مصطفوی.
۱۴. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۳)، ثواب العمال و عقاب الاعمال، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران: کتابفروشی صدوق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فی التفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. علم‌الهدی، الشریف المرتضی (۱۴۱۱)، الذخیره فی علم الکلام، تحقیق سید احمد حسینی، قم: مؤسسه



سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

### النشر الاسلامی.

۱۷. غزالی، محمد (۱۴۰۲ق)، احیاء علوم الدین، ۵ جلد، بیروت: دارالمعرفه.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴)، العین، اعداد و تعلیق محمد حسن بکالی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۹. قدردان قراملکی، محمد حسن (۱۳۸۰)، خدا و مسئله شر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۰. کلینی، ابوجعفر (بی تا)، اصول کافی، کتاب الایمان و الکفر، باب فضل فقراء المسلمین، حدیث اول.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه وفا.
۲۲. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳)، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، چاپ اول، قم: الموتر العالمی للشیخ مفید.
۲۳. میرداماد، محمد (۱۳۴۷) القبسات، به اهتمام مهدی محقق، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

